

مالک شریعتی، دبیرکل جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

اقتصاد کشور به‌زودی از آی‌سی‌یو به بخش منتقل می‌شود



■ هیات اجرایی با فشار سیاسی تاجگردون را تایید کرده است

■ اصلاح‌طلبانی که مدعی عدم حضور در انتخابات هستند پس چرا

نسبت به ردصلاحیت‌ها اعتراض می‌کنند



علی مزروعی
خبرنگار گروه نشر روز

کمتر از یک ماه تا موعد برگزاری انتخابات مجلس دوازدهم زمان باقی مانده است. می‌توانیم بگوییم احزاب تقریباً سر و شکل گرفته و برنامه‌هایشان را بسته‌اند و دارند آن را اجرا می‌کنند، هرچند موعد تبلیغات هنوز آغاز نشده اما احزاب به‌عنوان یک سازوکار مدون خیلی زودتر باید برنامه‌هایشان را آغاز کرده باشند. برای بررسی برنامه‌های جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی که در قالب ائتلاف جبهه تحول‌خواهان انقلاب اسلامی فعالیت می‌کند به سراغ مالک شریعتی، دبیرکل این حزب و عضو کمیسیون انرژی مجلس دوازدهم رفته‌ایم. مشروح این گفت‌وگو که مهم‌ترین عوامل موثر بر افزایش و کاهش مشارکت در انتخابات مجلس در آن مورد بررسی قرار گرفته است را در ادامه می‌خوانید.

■ ■ ■

فضای انتخاباتی سال ۱۴۰۲ را با توجه به اتفاقاتی که در سال گذشته داشتیم و دروغ‌پراکنی‌ها و تزیین نامیدی به کشور، چطور می‌بینید؟ تفاوت فضای انتخاباتی سال ۱۴۰۲ و سال ۱۳۹۸ را چه چیزی می‌دانید و آیا असال برنقوت خواهد بود؟ در این فضا موضع جمعیت رهپویان برای کنش موثر در انتخابات جهت اجرای چهار محور اصلی که مورد اشاره رهبر انقلاب بود یعنی مشارکت، رقابت، سلامت و امنیت چیست؟

خوشبختانه رهبر معظم انقلاب از ابتدای سال ۱۴۰۲ خیلی زودتر از ادوار گذشته فضای انتخابات را آغاز کردند و رفته‌رفته عملاً فضا انتخاباتی‌تر شد. با اصلاح قانون انتخابات در مجلس شورای اسلامی زمان اجرای فرآیند انتخابات جلوتر افتاد و زودتر آغاز شد. در قانون جدید پیش‌ثبت‌نام اتفاق افتاد و افرادی که مایل بودند در این رقابت شرکت کنند، از یک زمان زودتری فرآیند را شروع کردند. هم فرصت اجرا برای مجریان انتخابات بیشتر شد و هم فرصت برای نامزدهایی که می‌خواهند فکر کنند، چون طبق قانون اگر می‌خواستند انصراف دهند، باید زودتر تعیین تکلیف کرده یا در مسئولیت‌های قانونی‌شان کناره‌گیری می‌کردند. برای ناظران در انتخابات به‌ویژه شورای محترم نگهبان هم فرصت بیشتری فراهم شد که با دقت بیشتری مراحل تأیید صلاحیت‌ها را دنبال کنند. از این بابت که خدا یا ناکرده در خلال بررسی با سرعت زیاد حق‌الناسی ضایع نشود و عدم احرازهایی که سال‌ها گذشسته به خاطر فرصت کم پیش می‌آمد تکرار نشود، فکر می‌کنم اینکه سریع‌تر اتفاق افتاد و زودتر فضا انتخاباتی شد، کمک می‌کند به اینکه شور و هیجان انتخاباتی در کشور به نسبت قبل بیشتر باشد و از این جهت عملاً فضای انتخاباتی هم در بین نخبگان سیاسی و هم در بین افراد و احزابی که در فرآیند انتخابات فعال هستند، زودتر سر و شکل گرفت. احزاب به‌عنوان ستون فقرات فعالیت‌های سیاسی در هر کشوری به تناسب عمق و ظرفیتی که در فضای مردمی ایجاد می‌کنند، می‌توانند موثر باشند. جمعیت رهپویان هم از این امر مستثنا نیست. ما در یک جبهه همگرا و تقریباً همفکر هم حضور داریم؛ جبهه تحول‌خواهان انقلابی که بیش از یک دهه پیش شکل گرفته بود. جمعیت ایثارگران و جانبازان انقلاب اسلامی و جمعیت رهپویان این جبهه را تأسیس کرده بودند. در ادوار مختلف انتخابات هم فعالیت‌ها و کنش‌هایی را با عدولین مختلفی داشتیم و اخیراً هم دو مجموعه دیگری به ما اضافه شده‌اند؛ هم جمعیت اطلاع‌نهاد‌های مردمی که خاتم‌الهیان دبیرکل آن هستند عضوان این ائتلاف است و هم جمعیت خدمتگزاران آبادانی و پیشرفت که آقای صادقی، عضو شورای شهر تهران عضو آن هستند. این مجموعه عملاً یک مجموعه سیاسی، اجتماعی از باب نزدیک بودن به حوزه مدیریت شهری محسوب شده و سابقه‌اش به یک دهه قبل برمی‌گردد. مجموعه جبهه تحول‌خواهان الان عضوی از ائتلاف نیروهای انقلاب است که معروف به شورای ائتلاف نیروهای انقلابی است و از دوره قبل مجلس هم با عنوان اختصاری شان‌ا(شورای ائتلاف نیروهای انقلابی) فعال بود و مسئولیت آن الان با دکتر حداد‌عادل است و با عنوان یک کار اتلافی آن را دنبال می‌کنیم. از این جهت فکر می‌کنم فضای انتخاباتی در حوزه‌های سیاسی کامل شکل گرفته و به‌تدریج هم با فراهم شدن فضای گفتمانی در فضای جامعه هم گرم‌تر و گرم‌تر خواهد شد. به‌ویژه که صداوسیما هم برخی فعالیت‌ها و مناظرات و گفت‌وگوها را آغاز کرده است، گرچه شرایط اقتصادی کشور شرایط سختی است و اینها بر فرآیندهای انتخاباتی اثر می‌گذاردند اما مجموعاً از دوره‌های گذشته کمتر نخواهد بود.

اشاره کردید به اینکه اصلاح فرآیند انتخابات کمک کرده است به ایجاد انگیزه برای گروه‌های سیاسی جهت مشارکت و کار را برای شورای نگهبان و هیات‌های

نظارت و هیات‌های اجرایی راحت‌تر کرده است. همچنین گفتید که زمان را برای دقیق‌تر شدن کار فراهم کرده اما از آن طرف ما شاهد هستیم که برخی‌ها معترض هستند به اینکه این قانون دست هیات‌های اجرایی را برابری بررسی صلاحیت‌ها باز کرده و یک جاهایی اعمال سلیق مانع از حضور برخی افراد می‌شود. نتیجه این بود که شورای نگهبان تعداد زیادی از افراد رد صلاحیت‌شده را به میدان انتخابات بازگرداند. بنابراین نظر مقابلی هم وجود دارد که شاید قانون انتخابات اصلاح‌شده ایراداتی از این قبل هم داشته باشد.

به‌رحال نسبت به گذشته خیلی ایرادات برطرف شده و آن سیاست‌های کلی انتخابات که رهبری داشتند و ابلاغ کرده بودند که بیش از شش سال از آن می‌گذشت و این مطالبه از مجلس بود که این سیاست‌ها به قانون تبدیل شوند، بخش عمده‌ای اتفاق افتاده و به نظر من هنوز برای افزایش نقاط مثبت این قانون جادارد. از جمله آنکه زمان بررسی در هیات‌های اجرایی کم بود، یعنی تجربه‌ای که الان اتفاق افتاد، هیات‌های اجرایی فرصت کافی نداشتند و زمان‌شان کم بود و زمان هیات‌های نظارت و شورای نگهبان بیشتر شده، بنابراین هیات‌های اجرایی در یک جاهایی فرصت نکرده‌اند کامل رسیدگی کنند و عدم احراز را اعلام کردند و برای هیات‌های نظارت فرستادند؛ البته رد نکردند و گفتند عدم‌احراز که فرصت برای هیات‌های نظارت باشد. این را شاید بتوان برای آینده اصلاح کرد که فرصت را برای هیات‌های اجرایی تقویت کند اما عمده کار در تأیید صلاحیت‌ها در هیات‌های نظارت و نهایتاً شورای نگهبان رقم می‌خورد. اگر ما بخواهیم بگوییم فرآیند نظارت چند قسمت است، عملاً سه بخش عمده دارد؛ هیات‌های اجرایی، هیات‌های نظارت مرکزی و استانی و شورای محترم نگهبان که فصل‌الخطاب در بحث تأییدصلاحیت‌ها عمل می‌کند و این نظارت کاملاً استصوابی است و می‌تواند نظرات هیات‌های اجرایی و هیات‌های نظارت را قبول بکند یا راساً رد کند. به‌تدریج هم بسیاری از افرادی که رد شده بودند یا در هیات‌های اجرایی عدم احراز داشتند، در حال تعیین تکلیف هستند و بسیاری از اینها به‌گروهه رقابت وارد شده‌اند. من فکر می‌کنم بخشی از علت گله‌مندی برخی دوستان به طراحی سیاسی آنها برمی‌گردد برای اینکه اگر ثبت‌نام‌ها دیرتر اتفاق می‌افتاد، در زمان دیرتری بتوانند این فرآیند گروکشی سیاسی را رقم بزنند و عملاً با پیش‌ثبت‌نامی که اتفاق افتاد، دست‌شان رو می‌شد که چکار کنند، چون پیش‌ثبت‌نام عقب‌تر بود و اگر کسی در پیش‌ثبت‌نام حضور پیدا می‌کرد، بعد امکان اینکه آمدن یا نیامدنش را تعیین تکلیف نکند برایش فراهم نبود. درواقع نگران این بودند. در جلسه‌ای که ما خدمت رئیس‌جمهور بودیم و همه احزاب تقریباً حضور داشتند، آنجا عمده اینها می‌گفتند فرصت مجددی بدهید که ما ثبت‌نام کنیم و خیلی دنبال این نبودند که چه کسانی آمده یا نیامده‌اند. حرف‌هایشان بیشتر ناظر به آن طراحی سیاسی بود که دچار اشکال شد. از این جهت من فکر می‌کنم که مجموعه فرآیند بهتر از گذشته اتفاق می‌افتد. اتفاقاً ما منتظران‌ام از دوستان جریان اصلاح طلب این بود که از قانون جدید انتخابات استقبال کنند، هم به جهت اینکه فرآیند بازر شده و فرصت رسیدگی بیشتر است و حق‌الناس کمتر ضایع‌تر می‌شود و هم اینکه ما به شورای نگهبان تکلیف کردیم که دلایل ردصلاحیت‌ها را حتماً باید با جزئیات به اشخاص اعلام کنند. قبلاً شورای نگهبان می‌گفت اگر کسی بخواهد ما این کار را می‌کنیم اما قانون نبود. سلیقه و رویه‌ای بود که کار خوبی هم بود اما الان دیگر قانون شده. الان دیگر ما رویه و سلیقه نداریم و همه چیز قانونی شده و از این جهت انتظار استقبال داشتیم.

اگر جناح اصلاح طلب قصد رفتار دوگانه داشت باید در انتخابات ثبت نام می‌کرد اما جناح چپ اصلاح‌طلبان هم ثبت‌نام نکرده‌اند و هم اعلام کرده‌اند که در انتخابات لیستی نمی‌دهند. این مساله آیا صحبت شما در مورد اینکه برخی اصلاح‌طلبان قصد گروکشی داشتند را رد نمی‌کند؟

به نظر من تدبیر غلطی در جبهه اصلاحات انجام شد و اشتباه کردند و ما هم به‌آنهاپی که صحبت کردیم، گفتیم ثبت‌نام‌کردن که برای شما ایجاد دردسر نمی‌کرد، شما ثبت‌نام می‌کردید، بعد اگر نمی‌خواستید، می‌گفتید ما به هر دلیلی نمی‌خواهیم؛ البته تعداد زیادی هم ثبت‌نام کردند، یعنی هر دو حرف را می‌زدند. تعدادی می‌گفتند ما ثبت‌نام نکردیم و برخی می‌گفتند چرارد می‌کنید؟ بعد ما می‌گفتیم اگر ثبت‌نام نکردید، پس ما چه کسی را رد می‌کنیم؟ این هم یک تناقضی بود که در صحبت‌هایشان بود.

در بین تأیید صلاحیت‌شده‌ها از بین جبهه مشارکت فکر نکنم کسی باشد، چون رسماً هم اعلام کرده‌اند در انتخابات حضور ندارند؟

جریان اصلاحات به معنای مصطلحش که من البته اصطلاح بهتری برای

آنها دارم و به آنها جریان غرب‌گرا می‌گویم، دو پاره شده‌اند، یعنی تقسیم به دو بخش شده‌اند؛ یک بخش به اپوزیسیون خارج از کشور نزدیک شده‌اند و سراغ تحریم انتخابات رفتند. باقی‌مانده جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که بیشتر در حزب اتحاد ملت حضور دارند، معتقد به تحریم انتخابات هستند و می‌گویند عمل‌ادر این فرآیند نباید مشارکت کرد. یک جمع دیگر اینها مجموعه کارگزاران و حزب اعتدال و ندا و امثال اینها هستند که می‌گویند ما باید در فرآیند انتخابات مشارکت کرده و سعی کنیم با مشارکتی فعال یا با رای اعتراضی نظمان را بگوییم اما به‌رحال باید انتخابات را به‌عنوان چهارچوب مردم‌سالاری نگه داریم. این اختلاف درونی خودشان است و ارتباطی به ناظر و مجری و اینها ندارد، یعنی قانون انتخابات چه جدید می‌شد و چه نمی‌شد، باقی‌مانده جبهه مشارکت از اول هم دنبال ثبت‌نام نبودند و این اختلاف درونی آنهاست که هنوز هم پارچاست و جمع‌بندی نشده. حتی دریک مقطعی اینها برخی از قدیمی‌های جبهه مشارکت را که معتقد به مشارکت بودند، کنار گذاشتند؛ افراد استخوان خردکرده‌ای مثل بهزاد نبوی را کنار گذاشتند و افرادی را آوردند که کاملاً معتقد به تحریم انتخابات بودند.

■ امیدواریم طراحی و سیاست‌هایی که درحوزه اصلاحات اقتصادی انجام می‌شود، دنبال بشود. مثالی من برای دوستانم می‌زدم که مثل بیماری می‌ماند که تحت مراقبت‌های ویژه است اما الان پزشک که بالای سرش می‌رود، می‌گوید ان‌شاءالله به‌زودی به بخش می‌روی. الان وضعیت بیمار اقتصادی ما رو به بهبودی است اما زمان می‌برد

برخی اصلاح‌طلبان مثل کارگزاران قائل به انتخابات بودند. سال ۹۸ هم ثبت‌نام کردند، با وجود شکستی که برایشان محتمل بود و محقق شد، آیا بهتر نبود که ما یک‌به‌آن جریان را دی‌کال اصلاحات بگوییم با موافقت نسبت به کسانی که به انتخابات رقبست دارند؟ حضور روحانی در انتخابات به این معنی بود که بعد بیایند یک لیست هم در انتخابات مجلس بدهند. اینکه این افراد ردصلاحیت می‌شوند، دست آن جناح را دی‌کال را پر می‌کند برای اینکه این جناح متقابل به انتخابات را مورد طرد قرار داده و محکوم کنند. فکر نمی‌کنید بهتر می‌شد عمل کرد؟ این سوال را اول باید از خود جریان اصلاحات پرسید که چرا تکلیک قائل نشدند و تکلیف‌شان را با خودشان معلوم نکردند و درون خودشان یک تصمیم واحد نگرفتند. دوم اینکه شورای نگهبان درباره این توضیح خواهد داد و آنجا حتماً دلایل و مستندات این دارند که به خود کاندیداها اعلام می‌کنند. من به‌عنوان یک ناظر بیرونی که ما جزا را نگاه می‌کنم، فکر می‌کنم آقای روحانی اگر برای مجلس کاندیدا می‌شد، حتماً تأیید می‌شد، یعنی ساخت خیرگان با ساخت مجلس در نگاه شورای نگهبان متفاوت است. اولاً فقهای خیرگان تصمیم می‌گیرند اما در احراز صلاحیت‌های مجلس هر ۱۲ عضو یعنی حقوق‌دانان هم هستند. بعد هم رای‌گیری است و پرونده‌ها را بررسی می‌کنند، بحث کرده و رای می‌آورند یا نمی‌آورند. هر کدام از کاندیداها حق دارند که به‌آنها اعلام شود که چرا ردصلاحیت شده‌اند. به نظرم آقدر فضا باز شده که بسیاری از افرادی که ما حتی اینها را به جهت تخلفات اقتصادی و اخلاقی‌شان می‌شناختیم، در مجلس تأیید شده‌اند؛ مثلاً آقای تاجگردون، چون در قانون داریم افرادی که دارای سوء شهرت هستند، نمی‌توانند ثبت‌نام کنند یا تأیید شوند. ایشان دیگر از سوء شهرت گذشته، یعنی هم در منطقه و هم در دوره اخیر که مجلس بود، ایشان بارای نمایندگان مجلس و مجموعه قانونی از مجلس اخراج شد اما الان تأیید شده و این جزء مسائل تعجب‌برانگیز تأیید صلاحیت‌ها بود. از اینها باز هم هست، بنابراین در فضای نمایندگی مجلس الان یک مقدار حتی بیش از آن چیزی که فکر می‌کردیم، فضا برای حضور افراد باز شده، گرچه تنوع رقابت سیاسی مورد تأیید رهبر انقلاب بوده و آنچه مورد تعجب بنده است اینکه نباید تنوع سیاسی را با خدای ناکرده، تأیید ضمنی تخلفات اقتصادی قاطعی کنیم؛ یعنی فسادهای اقتصادی، اخلاقی و امنیتی رانمی‌توان معادل تنوع رقابت سیاسی دانست. مردم وقتی اخبار فساد را می‌شنوند، در مجموع یک ناامیدی اتفاق می‌افتد، یعنی کاهش سرمایه اجتماعی نظام در فضای کشور اتفاق می‌افتد و عملاً آن چیزی که به‌عنوان عدم مشارکت می‌گوییم، در نهایت به ضرر نظام خواهد بود. افراد زیادی که نگاه‌های جریان اصلاحات دارند و به نظر من حضور دارند و فکر می‌کنم با همین اخباری که

امروز داریم بررسی می‌کنیم یک ماه مانده به انتخابات، حتماً جریان اصلاحات یک لیست کامل و قوی در تهران خواهد داشت.

یکی از اعتراضات جبهه اصلاحات این بود که ما بعد از اینکه باید از خوان هیات‌های اجرایی و نظارت و شورای نگهبان بگذریم تازه باید با خوانی تحت عنوان تأیید اعتبارنامه مواجه شویم. مثلاً مجلس یازدهم یک بار اعتبارنامه تاجگردون را رد کرد و اتهاماتی حول ایشان مطرح شد و به قول شما ایشان سوء شهرت دارند. ایشان به فساد اقتصادی منتهم شده و بعد صلاحیت‌شان رد شد. شما گفتید که در تأیید صلاحیت‌ها فصل الخطاب شورای نگهبان است، اگر شما درباره روحانی قائل به این هستید که فصل الخطاب شورای نگهبان است، خوب درباره تاجگردون هم باید این‌طور باشد. اینکه ایشان دوباره تأیید صلاحیت شدند، برداشت من این است که شورای نگهبان

ایشان را دارای فساد اقتصادی ندانسته است.

فصل الخطاب، قانون است. قانون اساسی در اصل ۹۳ به صراحت اعلام می‌کند که تصمیمات مجلس شورای اسلامی بدون تأیید شورای نگهبان قانونی نیست، الا دو مورد؛ یکی تعیین حقوق‌دانان شورای نگهبان. دو، تصویب اعتبارنامه نمایندگان؛ ممکن است شورای نگهبان یک نفر را تأیید کرده باشد و به مجلس بیاید و بعد نماینده‌ها به صورت جمعی او را تأیید نکنند.

یعنی اینکه نمایندگان قائل بر این هستند که شورای نگهبان دو بار اشتباه تاجگردون را تأیید صلاحیت کرده است؟

این اختیار قانونی مجلس است و قانون اساسی هم این را می‌گوید. اول بدانیم که این قانونی است. اصل ۹۳ می‌گوید کسی که به مجلس می‌آید، شورای نگهبان هم تأیید کرده، نمایندگان می‌توانند به او رای ندهند و از مجلس بیرونش کنند. چند بار هم در ادوار مختلف اتفاق افتاده. پس این اولاً قانونی است. علتش چیست؟ علتش را حضرت امام در وصیت‌نامه‌شان گفته‌اند. گفته‌اند که من به نمایندگان مجلس شورای اسلامی وصیت می‌کنم که اگر افرادی به هر دلیلی که ایشان عبارت فریب‌راهه کار می‌برند، به هر دلیلی خودش را تحمیل کرد و از فیلترهای مختلف رد شد، اگر دارای اشکال بود، نمایندگان دیگر نگذارند او در مجلس بماند. این علت قانونی وصیت حضرت امام بود اما علت سیاسی آن هم این است که هر مجلسی یک سطح و تراز از صلاحیت را برای خودش قائل است. مجموعه نمایندگانی که به مجلس می‌آیند، از حوزه‌های انتخابیه مختلف می‌آیند. اولاً باید همه به هم رای دهند تا ملی شوند، یعنی مثلاً من از تهران، دیگری از شیراز و هر کس از هر جایی به مجلس می‌آید، مردم هر منطقه به نماینده آن منطقه رای می‌دهند تا او شایست ملی پیدا کند، نمایندگان بدون تأیید اعتبارنامه فقط رای منطقه‌ای دارند نه رای ملی. چطور می‌شود این نمایندگان که برخی از مردم ایران در یک منطقه خاص به آنها رای داده‌اند، و نه تمام مردم بدون تأیید اعتبارنامه رای‌چ به موضوعات کشوری رای دهند؟ وقتی که نمایندگان منتخب مردم همگی اعتبارنامه آن فرد را تأیید کنند؛ این جنبه سیاسی تأمین می‌شود. جنبه دیگر هم این است که مجلس سطحی از صلاحیت را برای خودش قائل است و می‌گوید کف صلاحیت‌ها را شورای نگهبان و سطح مورد نیاز صلاحیت را خود مجلس تعیین می‌کند. مثلاً می‌گوید در این مجلس یازدهم فلان فرد صلاحیت‌مانند در مجلس را ندارد؛ ما رای می‌دهیم و بیرونش می‌کنیم، بنابراین هم قانونی بوده و هم جنبه اجتماعی آن درست است و از نظر وصیت حضرت امام هم مساله روشن است. می‌خواهم بگویم در صلاحیت نمایندگی، شورای نگهبان فصل الخطاب نیست. مجموعه نمایندگان فصل الخطاب هستند اما در نهایت، الان نه.

همین این است که این یک اثر اجتماعی دارد؛ معلوم نیست تاجگردون رای بی‌اوردند اما اگر بی‌اوردند و این دوباره تکرار شود، من فکر می‌کنم این اثر منفی بر مردم گجساران می‌گذارد و شاید این‌طور از جانب آنها برداشت شود که رای‌شان در محاسبات حکمرانی اثری ندارد و هر بار انتخاب کنند، نتیجه یک چیز دیگر می‌شود.

من که نباید پاسخگوری این باشم. در مجموع شرایط ما باید به‌وظیفه قانونی‌مان عمل کنیم، یعنی زمانی که مجلس یازدهم روود کرد، همین سوال مطرح بود که مردم به ایشان رای دادند و شورای نگهبان هم تأیید کرده، شما چرارد می‌کنید. گفتیم قانون اساسی این اجازه را داده و ما هم بررسی کردیم و اتفاقاً در آیین‌نامه داخلی مجلس این آمده برای اینکه این اتفاق رقم نخورد، مواردی را مجلس می‌تواند در رد اعتبارنامه بررسی کند که شورای نگهبان بررسی نکرده باشد. ما نامه زدیم به شورای نگهبان و بعضی از موارد را اعلام کردیم و گفتیم می‌خواهیم این موارد را بررسی کنیم، آیا شما قبلاً اینها را بررسی کرده‌اید و آنها نامه زدند که بعضی‌ا بررسی و بعضی‌ا بررسی نکرده‌اند. بنابراین حتی اگر یک مورد باشد که شورای نگهبان به نمایندگان اعلام کند که بررسی نکرده، نمایندگان می‌توانند بررسی کنند.

فرهیختگان

فرد روز



دوشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۲



شماره ۴۰۸۴



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

ادامه در صفحه ۱۴